

حاج علی اکرام مبارزی خستگی ناپذیر

al/خبرگزاری آران

ولی جباری

مؤلف کتاب شیعیان جمهوری آذربایجان

شاید به جرات بتوان گفت که در تاریخ معاصر جمهوری آذربایجان مردی به شجاعت، جسارت، خستگی ناپذیری و اسلام گرایی همچون حاج علی اکرام وجود داشته باشد. ایشان در طول زندگی با برکت و مبارزه جویی خود با حکام الحادی و مستبد کمونیستی و همچنین به اصطلاح دموکرات مآبان بعد از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، همیشه دفاع از ارزشهای دینی و مقدسات اسلامی و ائمه معصومین را در سرلوحه افکار و اعتقادات خود قرار داده بود و همواره تا آخرین لحظات زندگی خود از جدایی ناپذیری دین از سیاست دفاع می نمود.

حاج علی اکرام همواره انقلاب اسلامی ایران را مایه برکت و موجب آزادی معنوی مسلمانان و باعث ایجاد نور الهی در قلوب شیعیان جهان بخصوص شیعیان جمهوری آذربایجان اعلام می کرد که با پیروزی انقلاب ایران، جرقه های امید در دل های عاشقان اهل بیت (علیهم السلام) و منتظران ظهور حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به وجود آمد.

حاج علی اکرام علی یف در سال 1940 در خانواده ای متدین در منطقه ای عالم پرور و مذهبی که مقبره منسوب به خواهر حضرت امام رضا (علیه السلام) در آن قرار دارد و بدلیل پرورش انار از سالیان دور در، به نارداران شهرت یافته است، متولد شد. از نوجوانی تا کهنسالی به ترویج و تبلیغ آموزه های شیعی و شعائر اسلامی و مبانی دین اسلام و تشیع همت وافر نمود و در این مسیر، مبارزات زیادی با ملحدان و منحرفان دینی نمود و به همین دلیل بارها و بارها توسط حکومت های مستبد و دین ستیز به زندان افتاد اما این مرد الهی در زندان نیز دست از مبارزه بر نداشت بطوریکه زندانها نیز به محل ترویج احکام دینی و شعائر اسلامی توسط وی تبدیل گردیده بود.

حاج علی اکرام عاشق اهل بیت (علیهم السلام) و مراجع تقلید و بخصوص ولی فقیه بود و با یادآوری نام هر کدام از آنها اشک از چشمان آن عزیز سفر کرده جاری می شد.

تدوین کتاب شیعیان جمهوری آذربایجان توفیق آشنایی با مردی الهی و عاشق اهل بیت (علیهم السلام) را به نگارنده نصیب نمود که عمر عزیز و بابرکت خود را برای تبلیغ آموزه های تشیع و زنده نگه داشتن آرمانهای اسلامی و ترویج شعائر مذهبی مصروف ساخته بود و تا آخرین لحظه عمر خود همواره مدافع آرمانهای اسلامی و حقوق اسلام گرایان جمهوری آذربایجان بود. ایشان چه قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و چه بعد از استقلال جمهوری آذربایجان، بدلیل افکار اسلام ناب محمدی و اعتقادات تشیع محوری منبعث از افکار حضرت امام خمینی (ره) همواره به مبارزه با دین ستیزان پرداخت و از هیچ کوششی برای پیشبرد اهداف خود دست بر نداشت. تاسیس حزب اسلام جمهوری آذربایجان، شجره طیبه ای بوده است که حاج علی اکرام با ایجاد و فعال نمودن آن در سال 1991 و تبدیل آن حزب به یکی از قویترین و مدعی ترین و تاثیرگذارترین احزاب کشور، حکومت های چند دوره بعد از استقلال جمهوری آذربایجان را به چالش کشیده است، بطوریکه حکام دین ستیز در طول 20 سال گذشته نتوانسته اند ایشان و یاران هم حزبی اش را تحمل کنند و بارها ایشان و دیگر مقامات حزب اسلام را به زندانهای طویل المدت محکوم کرده اند و از هیچ اقدامی در آزار و اذیت ایشان دریغ ننموده اند.

حاج علی اکرام اگرچه در دهه پایانی عمر عزیز خود به دلیل کهولت سن و بیماری ناشی از زندانها، از رهبری حزب کناره گیری کرده بود، اما همچنان رهبر معنوی حزب بود و همواره مدافع حقوق مسلمانان و اسلام گرایان کشوری بود که برای به بار نشستن آن خون دل خورده بود و در هر مقطعی از مبارزین سیاسی – اجتماعی و فرهنگی کشور دفاع می نمود.

حاج علی اکرام مبارز خستگی ناپذیری بود. حکومت دین ستیز وقت در ماه می سال 1996 و در حالیکه حزب اسلام با رهبری ایشان در اوج فعالیت های تشکیلاتی و سیاسی اجتماعی بود و به گفته ایشان در اکثر قریب به اتفاق شهرهای کشور شعبات حزب برپا شده بود، ایشان به همراه معاونین خود دستگیر و هر کدام به 10 سال زندان محکوم شدند. آنها در دادگاه فرمایشی آن زمان و در حالی که حاج علی اکرام در دستان خود قرآن داشت، اعلام کردند، دستگیری و حبس آنها سفارش آمریکا و صهیونیزم است و آنها هیچگونه گناهی مرتکب نشده اند و این موضوع را تاریخ آشکار خواهد کرد. آنها حبس خود را در ادامه سرکوب گریه های سالهای 1937 قلمداد کرده اند که فقط نام حکومتها عوض شده است. حاج علی اکرام در مقابل دوربینهای رسانه ها اعلام نمود: ارادت به انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) افتخاری برای ایشان است و جمهوری اسلامی ایران نقطه اتکا و برادر تمامی مسلمانان جهان از جمله مسلمانان جمهوری آذربایجان می باشد. ایشان افزودند: هدف از ایجاد حزب اسلام فعالیت های معنوی - رفاهی و سیاسی - اجتماعی برای مردم مسلمان جمهوری آذربایجان بوده است. ما هیچ گناهی مرتکب نشده ایم هر آنچه بر ما اتهام می زنند، بهتان است. فعالیت های ما پاک، نیت مان پاک و اقدامات مان پاک بوده است.

حبس در زندان نیز نتوانست از فعالیت های اسلام گرایان بکاهد. ساخت مسجد در زندان، نماز خوان نمودن زندانیان و تبدیل زندانیان خطرناک به انسانهای توبه کننده، رسیدگی به وضعیت رفاهی زندانیان و سر داده شدن اذان از زندان از جمله اقدامات حاج علی اکرام در طول بیش از سه سال زندان بود.

حاج علی اکرام بعد از آزادی از زندان، مبارزات خود را ادامه دادند و بارها حکومت را سرسپرده صهیونیستها لقب دادند که این امر موجب شد ایشان مجدداً در سال 2002 نیز توسط حکومت دستگیر شود. حاج علی اکرام چند روز قبل از دستگیری در یکی از تظاهرات های حزب اسلام، شعارهای ضد صهیونیستی سر داده بود و خواستار برچیده شدن فعالیت های سیاسی و اجتماعی صهیونیستها در کشور شده بود. اما زندان تفاوتی با بیرون برای وی نداشت چرا که ایشان فقط به اهداف الهی خود فکر می کرد.

حاج علی اکرام انسان شوخ طبعی بود. این روحیه وی در نزد عام و خاص مشهور بود و بیشتر حرف های خود را در قالب شوخی و یا دعا بیان می کرد. حکایت ایشان در خصوص ادعای ایلیچی بیگ به اتحاد دو آذربایجان جالب است و ادعای او را به سگی تعبیر کرده بود که همیشه به دنبال خوردن بیضه گاو است اما هیچ وقت موفق نمی شود.

سخنرانی حاج علی اکرام در مجلس ملی جمهوری آذربایجان در سال 1993 یکی از ماندگارترین سخنرانی هایی است که در تاریخ این کشور به ثبت رسیده است که به نوعی پیشگویی وی از کسانی است که خط اسلام را از دست می دهند. ایشان در این سخنرانی خطاب به حیدر علیو رئیس جمهور وقت جمهوری آذربایجان و سایر مقامات آذری و نمایندگان مجلس اظهار می دارد:

" ما نمی خواهیم مملکت مان به این روز مبتلا شود. - ایشان در حالیکه قرآن در دست دارد می گوید- من این قرآن را شاهد می گیرم. نه از روی غرض حرف می زنم و نه دشمنی در این کشور دارم. خداوند در قرآن می فرماید: من عشق و محبت خود را فقط به انسانها عطا کرده ام. اگر در یک انسان عشق و محبت الهی نباشد، انسان نیست. این عشق و محبت را خداوند در قرآن اینگونه معنی کرده است که اگر انسان عشق و محبت الهی را به اولاد و مال و مقام منحصر کند، به عزت و جلال او را نابود خواهیم کرد. وضعیت کشور ما نیز به خاطر از یاد بردن این موضوع است. به ایلیچی بیگ و سایر روسای حکومتها نیز گفته ام. به جناب حیدر علیو نیز می گویم: به عزت و جلال خداوند قسم چون آنها خداوند را از یاد بردند و از خدا دور شدند، به این وضعیت دچار شدند. سه اصل مهم مندرج در رنگهای پرچم کشور را با عدالت نگاه کنید و عمل کنید. به عدالت در کشور جای بدهید. من این موضوع را در کنگره ها و کنفرانسها و به مقامات در مقاطع مختلف عرض کرده ام. با گریه و التماس از آنها خواسته ام به این سه اصل اهمیت بدهند. ما مسلمان هستیم و حالا که مسئولیت مهم کشور را جناب حیدر علیو در دست گرفته است، به عزت و جلال خداوند قسم می خورم که من زمانی به شما تبریک خواهیم گفت که به این سه اصل اساسی جای بدهید. اسلام را در مرتبه اول جای بدهید. اگر به اسلام جایگاه خاص را بدهید ما نیز تا آخرین نفس با شما خواهیم بود ولی اگر غیر از این عمل ننمایید به عزت و جلال خداوند قسم می خورم که وضعیت شما فلاکت بارتر از دیگران خواهد بود. هر کسی باید در کشور به خاطر خدا کار کند. اللهم صل علی محمد و آل محمد. خداوند ما را به حال خود وا مگذارد. شهادی ما را در کف رحمت خود قرار بده. ایشان در پایان سوره فاتحه را می خواند و از مقامات و نمایندگان مجلس می خواهد تا فاتحه را با وی تکرار نمایند."

حاج علی اکرام ارادت خاصی به مراجع تقلید و ولی فقیه داشت. ایشان بین روحانیون واقعی و اسلام ناب با روحانیون درباری (به تعبیر خودش) تفاوت قائل بود. وی می گفت: اداره روحانیون قفقاز و پاشازاده از مصادیق روحانیون درباری هستند که به حکومت وابسته می باشند.

اگر زندگینامه حاج علی اکرام را در کتاب خاطرات ایشان و همچنین مصاحبه ها و سخنرانیهای شان مرور کنیم ، به جرات می توانیم بگوئیم ، ایشان نسبت به همه حوادث جهان اسلام واکنش نشان می دادند و همراهی و همدردی خود با مردم و مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل را نشان داده اند.

حاج علی اکرام در نزد حکومت‌های قبل و بعد از فروپاشی شوروی سابق ، به خمینی چی مشهور بود. اگرچه این عبارت در نزد عده ای منفی تلقی می شد، اما ایشان این لقب را افتخاری برای خود می دانست که به وی خمینی چی گفته شود چرا که عاشق حضرت امام (ره) بود. می گفت وقتی از تلویزیون مشاهده کردیم که حضرت امام از پله های هواپیما پائین می آید ، جرقه های امید در دلمان روشن گردید و فعالیت‌هایمان را برای ترویج و تبلیغ دین اسلام بیشتر کردیم. انقلاب اسلامی ایران و حضرت امام خمینی (ره) برکتی برای ما بود. از وجود ایشان ما رشد معنوی یافتیم. انقلاب اسلامی موجب تغییر دیدگاه‌های مسلمانان نسبت به دین اسلام گردید. قبلاً وقتی حرف از دین زده می شد، قبرستان ها، ملاهای گرسنه، ارتجاعی، منحرف کننده دین و... در اذهان مردم تداعی شده و دین به عنوان يك وجود منفی تلقی می گردید. اما وقتی در ایران انقلاب شد، این دیدگاه عوض گردید. وقتی يك روحانی به عالی ترین مقام يك کشور بزرگ متشکل از چندین جمهوری نامه می نویسد و او را به دین دعوت می کند، خاطره های گذشته از بین می رود. درخواست مناظره و مصاحبه اپدولوژیک امام (ره) از کمونیستها تاثیرات خیلی عمیقی بر روی مردم داشت که حتی از تاثیرات يك انقلاب نیز بالاتر بود. انقلاب اسلامی ایران موجب جوشش درونی مسلمانان شد . بعد از انقلاب اسلامی ایران يك نوع جوشش درونی در میان مسلمانان و حزب اللهی ها بوجود آمد. يك نوع عدم خوف از کمونیسم آغاز شد.